



پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

ترجمان استراتژیک خاورمیانه

تحلیل فرصت‌ها

برای استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده

بخش ۳ و پایانی

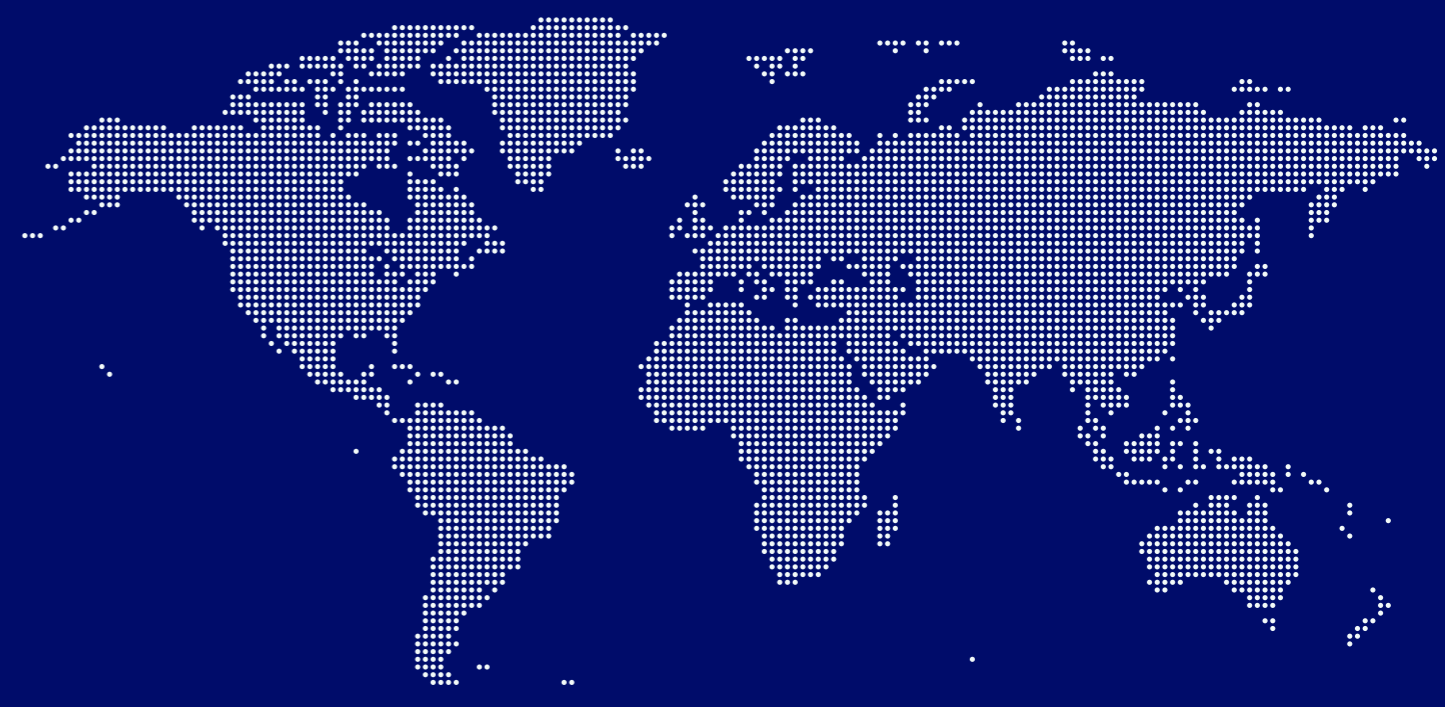
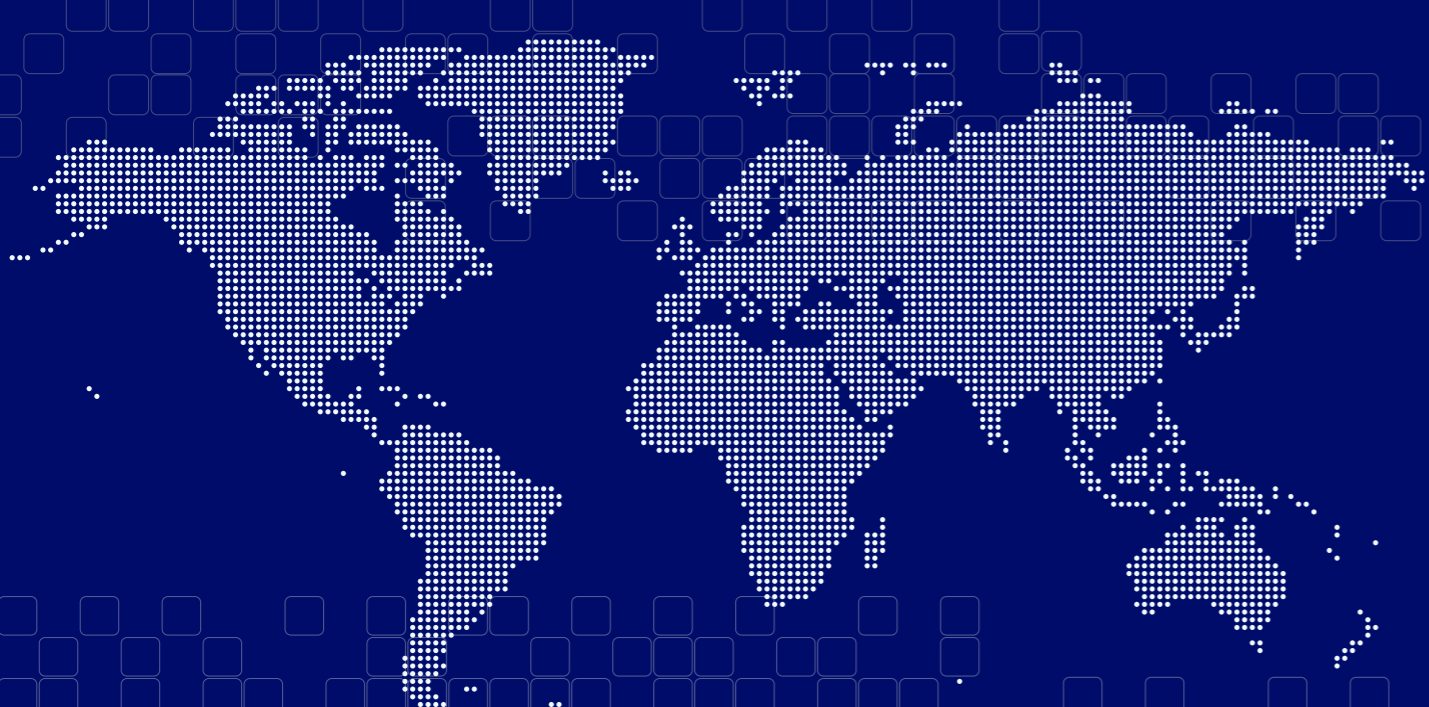
سخن پژوهشکده

سیر سریع تحولات در منطقه غرب آسیا به مرز رسیده است که هر محقق حرفه‌ای را جا می‌گذارد، اما اشتباه نباید کرد! نباید تسلیم سرعت و تغییر شد. چرا که دقت و اقدام سنجیده، مستلزم زمان و غور عمیق و مباحثه مستدل است و اینها میسر نمی‌شوند مگر با فهم دقیق متون و تصمیم آگاهانه با برآورد نتایج هر اقدام. بر این اساس، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و بازوی فکری آن یعنی پژوهشکده بر آن شدند تا برخی متون مهم و دوران ساز و فوری را به مترجمان کاربرد و متخصص بسپارند و این متون در کنار انتشار مجازی، نسخه چاپی هم داشته باشند.

انتظار این است که مجموعه ترجمان استراتژیک خاورمیانه بتواند ضمن تولید ادبیات شایسته و مرتبط، راهی یا الگویی باشد برای نگارش، گزارش و پایش رخدادهایی که مورد نیاز و اطلاع دانشوران و سیاست‌گذاران می‌تواند بود. پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه در فصل نوین فعالیت‌های خود، در نظر دارد با گزینش و سفارش این قسم متن‌های اساسی به شناخت و توسعه منافع ملی یاری برساند و یاور تصمیم‌سازان و اصحاب آکادمی باشد تا به جای دوییدن در پی حوادث، مدبرانه و دوراندیشانه بیندیشند. همین‌جا فرصت را مغتنم شمرده از جمیع پژوهشگران مسایل جدید خاورمیانه دعوت می‌کنیم متن‌های تازه، معتبر و متمایز و مانا را انتخاب و جهت انتشار در قالب ترجمان استراتژیک خاورمیانه، پیشنهاد نمایند. به امید سرفرازی میهن اسلامی مان، ایران، با یاری حضرت یزدان و رهنمایی استادان حرفه‌ای و کاربرد.

گفتنی است نظر مطروحه در این اسناد به هیچ وجه نظر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیست و نشر آن به منزله تأیید محتوا نمی‌باشد. مقصود اصلی، اطلاع از نحوه نگاه و نقشه راه دیگری است که در مورد ایران اندیشه و کار می‌کنند.

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه



تلخیص و ترجمه: عسگر قهرمانپور

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان شهید نادری، نرسیده به خیابان ایتالیا، پلاک ۸
تلفن: ۰۹۰-۸۸۹۷۲۱۸۷ ایمیل: info@cmess.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه



ترجمان استراتژیک خاورمیانه

تحلیل فرصتها

برای استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده

بخش ۳ و پایانی

تلخیص و ترجمه: عسگر قهرمانپور؛ محقق و مترجم در امنیت بین الملل و عضو افتخاری گروه مطالعات تروریسم نو

ناظر علمی: دکتر قدیر نصری

ویراستار ادبی علمی: سحر تقی پور

صفحه آرایی و طراحی جلد: علی رودگر صفاری

شماره سند: ۱/۵۰۷

تاریخ انتشار: اول تیرماه ۱۴۰۰

source ;

swearngin, landon w. Terrorism in the 2020s ; examining the global threat (May 2019) , available at ; <https://bearworks.missouristate.edu/thesis/3361>

تحلیل فرصت‌ها برای استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده (بخش ۳ و پایانی)

ترجمه و تلخیص: عسگر قهرمانپور

چکیده

نوشتار زیر خلاصه‌ای است از رساله دکتری با عنوان تروریسم در دهه ۲۰۲۰: بررسی چشم‌انداز تهدید جهانی. به دلیل حجیم بودن این پایان‌نامه، تلاش کردیم آن را به سه بخش تقسیم کنیم و هر بخش در عین حال که نوشتار مستقلی محسوب می‌شود، همزمان به هم پیوند خورده‌اند: (۱) بررسی روندها و مسیره‌های جهانی تروریسم، (۲) شناسایی چالش‌های استراتژیک نوظهور و (۳) تحلیل فرصت برای استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده. در مجموع، این پروژه یک پیش‌بینی استراتژیک از تروریسم در دهه ۲۰۲۰ ارائه داده و نشان می‌دهد که تروریسم در حال خطرناک و پویا شدن بوده و شکست دادن آن به طرز فزاینده‌ای سخت شده است. پیشتر ترجمه بخش‌های ۱ و ۲ در سایت مرکز مطالعات خاورمیانه منتشر شد و اکنون بخش سوم و پایانی با عنوان تحلیل فرصت‌ها برای استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

مقدمه

ایالات متحده در واکنش به حملات ۱۱ سپتامبر، به سرعت یک استراتژی ضد تروریسم طراحی کرد که هدف آن نابود کردن پناهگاه امن القاعده بود که برای برنامه‌ریزی حملات القاعده استفاده می‌شد. طی سه ماه، نیروهای آمریکایی وارد افغانستان شدند، طالبان را از قدرت برکنار و القاعده را مجبور به فرار کردند. اگرچه حمله آمریکا به افغانستان با یک پیروزی سریع و قاطع آغاز شد، اما باعث شد عملیات ضد شورش مدت‌ها طول بکشد. هجده سال بعد، جنگ هنوز در افغانستان ادامه دارد؛ و حال طولانی‌ترین جنگ در تاریخ آمریکا به شمار می‌آید و افقی برای پایان آن نیز دیده نمی‌شود.

به‌رغم هزینه‌ای نزدیک به شش تریلیون دلار و از دست دادن نزدیک به ۷۰۰۰ عضو نیروهای نظامی ایالات متحده، جنگ جهانی علیه تروریسم همچنان به حمایت از جنگ با تروریسم به



رهبری ایالات متحده ادامه دارد. نزدیک به دو دهه، ایالات متحده بر همان استراتژی نظامی محور تکیه کرده است که ثابت کرده قادر به حل مسائل پیچیده سیاست خارجی در چهار گوشه جهان نیست. با درگیری‌های نظامی در کشورهای خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوبی، ایالات متحده خود را در بن‌بست همیشگی گرفتار کرده است: قادر به پیشرفت در برابر تروریسم جهانی نیست اما مایل به تسلیم هم نیست.

اکنون استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده نیاز مبرم به یک تغییر پارادایم در رویکرد و انتظارات خود دارد. شعله‌های آتش بسیاری از درگیری‌ها از آن جمله جنگ جهانی علیه تروریسم تقریباً از خرمن اختلافات محلی فرقه‌ای جان می‌گیرند، و این بدان معناست که ارتش یک کشور غربی قادر نیست در زمین بر نتایج یک دوره پایدار تأثیر بگذارد. اگرچه مبارزات نظامی گسترده می‌تواند ابزار لازم برای مبارزه با سازمان‌های تروریستی را فراهم آورد، اما نباید آن را ستون فقرات استراتژی ایالات متحده تلقی کرد. در عوض، ایالات متحده باید تمرکز دوباره خود را بر تضعیف توانایی‌های گروه‌های تروریستی در استخدام و تأمین مالی معطوف کند، چرا که آنها از این رهگذر خود را بازسازی و زنده نگه می‌دارند. اولویت‌بندی چنین ابتکاراتی، برخلاف بازی موش و گربه که تبدیل به جنگ جهانی علیه ترور شده است، می‌تواند به موفقیت طولانی مدت منجر شود. در غیر این صورت، تلاش‌های ضد تروریستی ایالات متحده به صورت ماریچی ادامه خواهد یافت، و امروز با یک دشمن می‌جنگد و فردا دشمنی دیگر ظهور می‌کند.

اصلاح نقش اجرای قانون^۱

پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر، عملیات ضد تروریسم ایالات متحده بر اساس اجرای قانون هدایت می‌شد. اف بی آی طبق رویکرد اجرای قانون سنتی خود، به منظور تشکیل پرونده‌های جنایی علیه توطئه‌گران، به بررسی حملات تروریستی بین‌المللی می‌پرداخت. با این حال، اف بی آی همچنین در جلوگیری از حملات متولدین خارجی به خاک ایالات متحده نیز نقش خوبی داشت. اگرچه تحقیقات پیشگیرانه ضد تروریسم به منابع گسترده‌ای نیاز داشت، با این همه، اف بی آی غالباً در خنثی کردن حملات موفق عمل می‌کرد و بسیاری از عاملان این توطئه‌ها دستگیر، تحت پیگرد قانونی و محکوم شدند.

در حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نقش اف بی آی به حوزهای محدودی که برای عملیات پیشگیرانه ضد تروریسم حیاتی بود، محدود شد. به همین سان، نقش کارگزاران و تحلیل‌گرانی که در زمینه مبارزه با تروریسم فعالیت می‌کردند، به رغم توانمندی محدود برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات،

1. . law enforcement

به تبادل اطلاعات در داخل و خارج، آموزش ناکافی ضد تروریسم در مرزهای قانونی بیش از حد پیچیده و منابع انسانی ناکافی، محدود شد. با این حال، هجده سال پس از ۱۱ سپتامبر، بسیاری از این محدودیت‌ها، و همچنین محدودیت‌هایی که در گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر مشخص شده‌اند، رفع شده‌اند. به مجریان قانون اختیارات قانونی جدیدی اعطا شده، جمع‌آوری اطلاعات با نگاه مثبتی اصلاح شده است، اشتراک اطلاعات بهبود یافته است، قوانین ضد تروریسم به روز شده و فعالیت بخش ضد تروریسم اف بی آی چندین برابر شده است. اکنون اف بی آی و هم‌تایان اجرای قانون فدرال به ابزارهای لازم برای هدایت تحقیقات موفق در زمینه مبارزه با تروریسم مجهز شده‌اند و استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده از مشارکت آنها بسیار سود می‌برد.

بهره‌برداری از رابطه جرم- ترور. از زمان پایان جنگ سرد و متعاقب آن افول تروریسم مورد حمایت دولت، فعالیت‌های جنایتکارانه سازمان یافته به یک منبع درآمد عمده برای گروه‌های تروریستی در سراسر جهان تبدیل شده است. سازمان‌های تروریستی در دهه ۱۹۹۰ با تکیه بر الگویی که در سال ۱۹۸۰ توسط تروریسم مواد مخدر ایجاد شد، برای تأمین هزینه‌های عملیات خود به جرائم سودآور مانند قاچاق مواد مخدر تکیه کردند. طی ۲۰ سال گذشته، پیوند بین جرم و ترور قوی‌تر شده است و ظهور سازمان‌های تروریستی بین‌المللی و جرائم سازمان یافته فراملیتی نشان داده است که دو پدیده به‌طور سنتی جدا از یکدیگر دارای تشابهات عملیاتی و سازمانی زیادی هستند. بنابراین، ضروری است که سیاستگذاران برای تدوین استراتژی‌های مؤثر ضد تروریسم و مبارزه با این تهدیدات در حال تکامل و همگرایی، رابطه جنایت و ترور را درک کنند.

گروه‌های تروریستی تقریباً مانند باندهای خیابانی عمل می‌کنند. آنها از سلول‌های به هم مرتبط و زنجیروار تشکیل شده‌اند که می‌توانند بر خلاف زنجیره فرماندهی سفت و سختی که معمولاً با گروه‌های شورشی سنتی مرتبط است، به‌طور مستقل عمل کنند. آنان جوانان حاشیه‌ای را که به دنبال معنا و احساس هدف هستند، جذب می‌کنند که بیشتر آنها مرد و در اواخر نوجوانی یا اوایل ۲۰ سالگی قرار دارند. آنها خود را تأمین‌کننده هویت اجتماعی، حمایت، شأن، و برآوردکننده احساسات مردم معرفی می‌کنند.

سازمان‌های تروریستی نیز بسان باندها، ذاتاً جنایتکار هستند. از آنجا که آنها برای تأمین مالی عملیات خود به فعالیت مجرمانه وابسته هستند، مجری قانون در موقعیت منحصر به فردی برای تضعیف کردن آنها قرار دارد. تأمین مالی برای ادامه فعالیت هر سازمانی ضروری است و شبکه‌های تروریستی تفاوتی ندارند. هر دو گروه تروریستی کوچک و سازمان‌های تروریستی بین‌المللی مانند القاعده و داعش برای تأمین بودجه

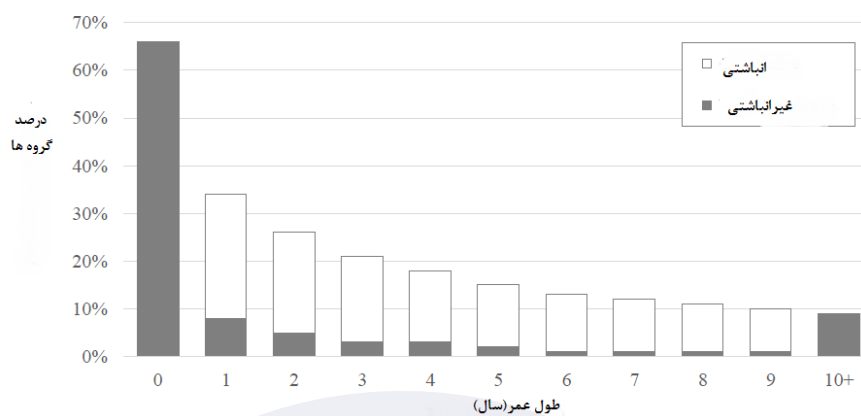


آموزش، حقوق و دستمزد خود به بودجه غیرقانونی تکیه می‌کنند. در نتیجه، سازمان‌های تروریستی از روش‌های متنوعی برای جمع‌آوری و پولشویی پول استفاده کنند. با این حال، رد پولی که آنها از خود به جا می‌گذارند نه تنها می‌تواند شواهد روشن کیفری برای پیگرد قانونی موثر باشد بلکه به عنوان یک روش کارآمد برای شناسایی، مجازات و منزوی کردن سازمان‌های تروریستی و سرمایه‌گذاران آنها باشد. تعیین اینکه چگونه، چه موقع، کجا، و یا از چه کسانی پول منتقل شده است، داده‌های قابل اعتمادی است که آژانس‌های اجرای قانون و اطلاعاتی می‌توانند از آنها برای روشن کردن نقشه سازمان‌های تروریستی، شناسایی مجریان فردی و سازمانی و ایجاد اختلال در فعالیت‌های آنها استفاده کنند. تامین مالی غیرقانونی خون حیات شبکه‌های تروریستی بین‌المللی است. بنابراین، اجرای ابتکارات تهاجمی با هدف اجرای قانون و طراحی شده برای کشف، ایجاد اختلال و بازدارندگی در امور مالی تروریسم، می‌تواند منجر به پراکنده شدن شبکه‌هایی شود که تروریسم جهانی را تقویت و تأمین مالی می‌کنند.

چگونه گروه‌های تروریستی پایان می‌یابند. عمر همه گروه‌های تروریستی سرانجام روزی به پایان می‌رسد و این نکته نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، گروه‌های تروریستی دشمنانی ناپایدارند. به رغم میرا بودن آنها، چندین پرسش مهم در اینجا مطرح می‌شود. چگونه گروه‌های تروریستی در گذشته شکست خورده‌اند؟ آیا اهمیت آماری وجود دارد، به این معنی که شکست آنها را می‌توان به علت یا علل خاصی نسبت داد؟ در این صورت، متداول‌ترین‌ها علل کدامند؟ برای اینکه ایالات متحده بتواند یک استراتژی مؤثر برای مقابله با تروریسم وضع کند، ابتدا سیاست‌گذاران باید پاسخ این پرسش‌ها را بیابند و بفهمند که با چه تدابیری و تحت چه شرایطی عمر گروه‌های تروریستی در طول تاریخ پایان یافته است. با این اطلاعات، آن‌ها درک بهتری از آنچه در گذشته موفق بوده و احتمالاً در آینده مثر خواهد بود، خواهند داشت.

اکثریت قریب به اتفاق (۶۶٪) سازمان‌های تروریستی در سال اول منحل می‌شوند (شکل ۸ را ببینید). فقط یک سوم آنها به اندازه ای عمر می‌کنند که نخستین سالگرد خود را جشن می‌گیرند و تنها یک چهارم دومین سالگرد خود را تجربه می‌کنند. اگرچه با افزایش سن گروه، بقای سازمانی کاهش می‌یابد، اما تعداد قابل توجهی به دهمین سال و بیشتر از آن رسیده‌اند. حدود ۹٪ گروه‌های تروریستی حداقل یک دهه زنده می‌مانند، و این نشان می‌دهد که گروه‌هایی که به این آستانه می‌رسند مقاومت در برابر آنها ایجاد شده است که رفع آن دشوار است. این یک ارزیابی آشنای انجام شده توسط دکتر تریشیا بیکن است که ادعا می‌کند گروه‌های تروریستی در مراحل اولیه توسعه بیشترین آسیب‌پذیری را دارند و پس از رسیدن به سن بالاتر مبارزه با آنها دشوار است.

شکل ۸. طول عمر گروه‌های تروریستی (۱۹۷۰-۲۰۱۶)



افزون بر این، تحقیق اخیر انجام شده توسط موسسه رند دلایل پایان عمر گروه‌های تروریستی را بررسی می‌کند. پژوهشگران با تجزیه و تحلیل فهرست سازمان‌های تروریستی که در سراسر جهان بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۶ وجود داشته است، توانستند علت اصلی انحلال هر سازمان را مشخص کنند (شکل ۹ را ببینید). آن‌ها قادر به تعیین چگونگی تأثیر ایدئولوژی و اندازه یک گروه بر سازمان شدند. آن‌ها دریافتند که از نظر تاریخی، حذف گروه‌های تروریستی با انگیزه مذهبی مدت زمان بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها طول کشیده است و گروه‌های بیش از ۱۰,۰۰۰ عضو بیش از ۲۵٪ از زمان پیروز شده‌اند - دو ویژگی مشترک القاعده و داعش.

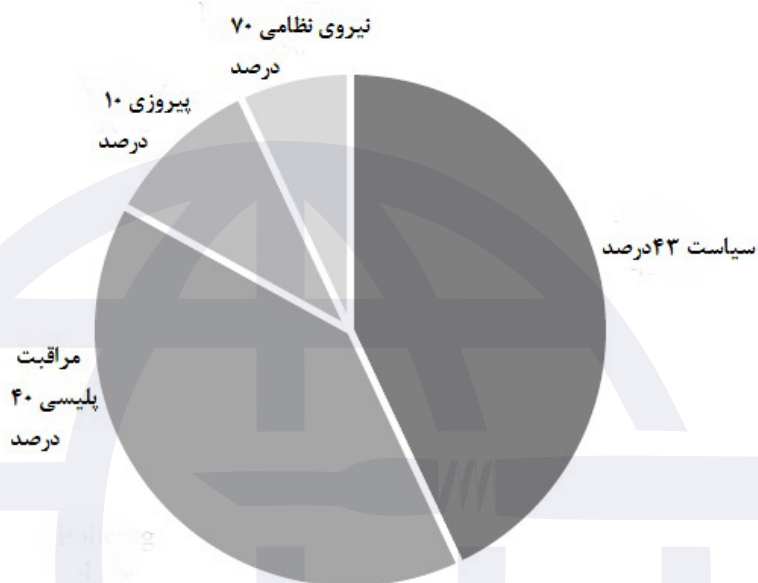
تحقیق رند نشان می‌دهد که در مجموع ۶۴۸ سازمان تروریستی در دوره بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۶ فعالیت داشته‌اند. از بین این سازمان‌ها، عمر ۲۶۸ سازمان به‌طور قطعی پایان یافت، ۱۳۶ مورد به سایر گروه‌ها تقسیم شدند و ۲۴۴ مورد نیز از سال ۲۰۰۶ فعال بودند. این تحقیق نشان داد که بیشترین دلیل متوقف شدن فعالیت تروریسم توسط گروه‌ها، این بوده که آنها به یک حزب سیاسی غیرخوشونت‌آمیز تبدیل شده‌اند. در حقیقت، ۴۳٪ گروه‌هایی که بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۶ خاتمه یافتند با دولت‌های متبوع خود به سازش سیاسی مسالمت‌آمیز رسیدند.

افزون بر این، ۱۰٪ از گروه‌های تروریستی به دلیل تحقق اهداف آنها پایان یافتند. اگرچه این بدان معنا نیست که آنها مستقیماً مسئول موفقیت کلی بودند. به عنوان نمونه می‌توان به جبهه آزادی ملی اشاره کرد که پس از استقلال الجزایر از فرانسه همه فعالیت‌های تروریستی را متوقف کرد، اما فعالیت‌های تروریستی آنها به تنهایی برای دستیابی به چنین نتایج ناکافی بود.

این تحقیق همچنین نشان داد که نیروی نظامی به ندرت دلیل اصلی پایان یک گروه تروریستی بوده

است که فقط در ۷٪ موارد مؤثر بوده است. این امر پیامدهای سیاسی عمیقی برای جنگ جهانی علیه تروریسم داشت، جنگی که به مدت دو دهه در خط مقدم استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده بوده است.

شکل ۹. چگونه گروه‌های تروریستی پایان یافته‌اند (۱۹۶۸-۲۰۰۶)



توجه: داده‌ها به عنوان درصدی از ۲۶۸ گروه تروریستی مورد تحقیق نشان داده شده است. منبع: بانک اطلاعات رند از حوادث تروریسم در سراسر جهان

جالب است که ۴۰٪ سازمان‌های تروریستی در نتیجه پیگرد پلیسی به پایان رسیده‌اند. در حقیقت، برای سازمان‌هایی که نمی‌توانند تروریسم را برای دستیابی به اهداف خود کنار بگذارند یا نخواهند توانست، پیگرد پلیسی موثرترین تاکتیک ضد تروریسم است. عملیات انجام شده توسط پلیس و آژانس‌های اطلاعاتی بسیار موثرتر از استفاده از زور نظامی بوده و حتی رقابتی برای موفقیت در مکان‌های سیاسی است.

تحقیق موسسه رند نتیجه‌گیری می‌کند که پیگرد پلیسی یک مؤلفه بسیار مؤثر در مبارزه با تروریسم بین‌المللی است و باید در استراتژی ایالات متحده بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این تحقیق ادعا می‌کند که سازمان‌هایی مانند القاعده و داعش از شبکه‌های متصل به هم متشکل از افراد و

سازمان‌ها در چندین قاره تشکیل شده‌اند که باید به‌طور منظم شناسایی و تحقیق شوند. در حالی که یک استراتژی جامع ضدتروریستی به طیف وسیعی از ابزارها، از جمله دیپلماسی عمومی، کارهای پلیس و اطلاعاتی و عملیات نظامی هدفمند نیاز دارد، سیاست‌گذاران باید بدانند که کجا تلاش خود را اولویت‌بندی کنند و منابع محدود به بهترین وجه صرف شود. طبق نتایج این تحقیق، تلاش‌های پلیسی و اطلاعاتی در شکست دادن گروه‌های تروریستی بسیار موثرتر از نیروی نظامی است که نتایج قابل توجهی در استراتژی ضد تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر داشت.

تقویت ظرفیت بین‌المللی ضد تروریسم. با این همه، نمی‌توان انتظار داشت که اجرای قانون ایالات متحده به تنهایی در تروریسم جهانی از پیگرد پلیسی استفاده کند. به منظور تقویت ظرفیت بین‌المللی ضد تروریسم، آژانس‌های اجرای قانون خارجی نیز باید نقش فعالی داشته باشند. خوشبختانه، ایالات متحده قادر است به آژانس‌های اطلاعاتی و پلیسی خارجی کمک کند تا توانایی آنها را در جلوگیری از تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی از دست زدن به اقدامات تروریستی بین‌المللی افزایش دهد.

تقویت مشارکت با نهادهای اجرای قانون خارجی از اهمیت حیاتی برخوردار است. این امر نه تنها امکان تبادل اطلاعاتی بیشتر را فراهم می‌کند بلکه تلاش برای بازداشت و تعقیب را نیز بهبود می‌بخشد. پلیس و اطلاعات محلی زبان، مردم و فرهنگ را بهتر از آژانس‌های ایالات متحده می‌شناسد. آن‌ها همچنین قادر به ایجاد اقدامات پایدار امنیتی داخلی هستند. با این حال، آن‌ها می‌توانند از منابع ایالات متحده بهره‌مند شوند. نیروی پلیس ایالات متحده می‌تواند به آژانس‌های محلی در تشکیل پرونده‌ها کمک کند و به دولت‌های خارجی در مورد جرم دانستن فعالیت‌هایی که برای فعالیت گروه‌های تروریستی ضروری است، مانند تأمین مالی غیرقانونی، مشاوره دهد. با تقویت این مشارکت‌ها، مجری قانون ایالات متحده قادر است «توسط، با و از طریق» آژانس‌های محلی کار کند، و تلاش هر دو نهاد را موثرتر می‌کند. تقویت توانمندی آژانس‌های خارجی برای مقابله با تروریسم در مرزهای آن‌ها امنیت ایالات متحده را افزایش می‌دهد و فرصت‌هایی برای موفقیت پایدار ایجاد می‌کند.

خلاصه. ما نمی‌توانیم تهدید تروریسم را از بین ببریم مگر بتوانیم جرم را از بین ببریم. با این حال، ما می‌توانیم میزان جرم را کاهش دهیم. با تقویت مشارکت‌های بین‌المللی و ابتکارات جدید با هدف مبارزه با تأمین مالی تروریسم، اجرای قانون ایالات متحده می‌تواند اقدام مهمی در اخلال در تروریسم جهانی ایجاد کند. تأمین مالی غیرقانونی خون حیات شبکه‌های تروریستی بین‌المللی است و نیروی پلیس (انتظامی) به‌طور منحصر به فرد به ابزارهایی مجهز است تا در مورد منزودی کردن و مسدود

کردن دارایی‌های آنها تحقیق کند. گرچه نهادهای اجرای قانون ایالات متحده و بین‌المللی برای رسیدن به اثربخشی کامل خود به منابع بیشتری نیاز دارند، آنها همچنان یکی از موثرترین ابزارها برای شکست قطعی سازمان‌های تروریستی هستند.

ترسیم مسیر الف به سمت مشروعیت‌زدایی

علاوه بر افزایش مشارکت آژانس‌های اجرای قانون ایالات متحده و بین‌المللی، استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده می‌تواند از ابتکارات جدیدی بهره‌برد که بر تضعیف ایدئولوژی سوخت‌رسانی به تروریسم قرن بیست و یکم متمرکز است. صادقانه بگوییم، گروه‌هایی مانند القاعده و داعش نمی‌توانند برای همیشه از طریق جنگ شکست بخورند. نزدیک به دو دهه تجربه این ادعا را نشان می‌دهد. جنگ نتوانسته است ایدئولوژی و ساختارهای پشتیبانی را که به بقای گروه‌های تروریستی امکان می‌دهد، از بین ببرد. در حقیقت، شواهد نشان می‌دهد که جنگ به عنوان یک ضریب نیروی منفی عمل می‌کند. با تقریباً چهار برابر مبارزان جهادی امروز در مقایسه با ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده باید به‌طور جدی در مورد تأثیرات ماندگار جنگ جهانی علیه تروریسم که محور اصلی استراتژی ضد تروریسم است، بازنگری کند.

سازمان‌های تروریستی ساختارهای رسمی نظامی مانند ارتش‌های ملی نیستند که بتوان آنها را با جنگ سنتی شکست داد. آنها عمدتاً غیرمتمرکز و بی‌شکل هستند. منابع انسانی آنها معمولاً جوانان ناامید و خشمگین هستند که از مشارکت سیاسی ناامید شده و از امکان تغییر سیاسی مسالمت‌آمیز دست‌امید شسته‌اند. بیشتر این افراد از کشورهایی هستند که فاقد دموکراسی و حقوق بنیادین بشر، از جمله آزادی بیان هستند. این افراد در ناامیدی خود متقاعد می‌شوند که خشونت تنها راه شنیدن صدای آنها و ایجاد تغییر است. این امر نشان می‌دهد که چرا القاعده پس از حمله آمریکا به عراق دوباره زنده شد، چرا داعش در ویرانه‌های بهار عربی ظهور کرد، و چرا جنگ داخلی گسترده باعث ایجاد گروه‌های تروریستی داخلی شده است که پیشرفت به سمت پیشرفت‌های مسالمت‌آمیز و مثبت را در سراسر نیمکره شرقی از بین برده‌اند. تا زمانی که سازمان‌های تروریستی بتوانند خود را به عنوان نیروهای صالح و موثر برای تغییر معرفی کنند، آنها همچنان به استخدام و تکمیل نیرو ادامه می‌دهند. به همین دلیل است که با وجود منابع مالی و انسانی فوق‌العاده، پیروزی‌های نظامی ایالات متحده و متحدانش عمدتاً کوتاه مدت بوده است. وقتی یک تروریست دستگیر یا کشته می‌شود، دیگری جای او را می‌گیرد - اگر نه دو یا سه نفر دیگر - به سازمان‌های تروریستی امکان می‌دهد تا دوباره احیا شوند و زنده بمانند. متأسفانه، این محصول ناخواسته عملیات ضد تروریسم گمراه شده

است؛ استراتژی‌ای که تمرکز زیادی روی ترتیبات مستقیم نظامی دارد اما اغلب از جنگ ایدئولوژیک بزرگ‌تر چشم‌پوشی می‌کند.

بازدارندگی توسط مشروعیت‌زدایی. برای جلوگیری از استخدام بی‌پایان تروریست‌ها، استراتژی ضد تروریسم ایالات‌متحده باید سیاست‌هایی را با هدف مشروعیت‌زدایی از تروریسم اجرا کند. مشروعیت‌زدایی از جمله استراتژی‌هایی است که به دنبال از بین بردن توانایی توجیه رفتار است و در نتیجه از محبوبیت آن می‌کاهد. از نظر ضد تروریسم، این استراتژی سازمان در صدد است تا دیدگاه‌هایی را تقویت و گسترش دهد که مخالف مشروعیت یا موجه‌سازی افراط‌گرایی خشن هستند. هدف این استراتژی ترغیب افرادی است که در حال تأمل یا مشارکت در تروریسم هستند که دوست دارند فعالیت خود را تغییر داده یا رها کنند بر این اساس که دیگر نمی‌توانند ایدئولوژی یا تاکتیک‌های تروریسم را موجه‌سازی کنند. بسان بازدارندگی متعارف، مشروعیت‌زدایی تلاش می‌کند تا رفتار متخاصم را تغییر دهد.

مرکز ثقل گروه‌ها. بازار هدف یک استراتژی مشروعیت‌زدایی باید مرکز ثقل^۱ سازمان‌ها باشد، مفهومی که توسط کارل فون کلاوزویتس در دهه ۱۸۰۰ ابداع شد و هنوز هم در محیط‌های عملیاتی امروزی قابل استفاده است (شکل ۱۰ را ببینید). وزارت دفاع ایالات‌متحده مرکز ثقل یک سازمان را به عنوان منبع قدرتی تعریف می‌کند که قدرت اخلاقی یا جسمی، آزادی عمل یا اراده برای عمل را فراهم می‌کند. از نظر تروریسم، مرکز ثقل یک گروه از چندین لایه پشتیبانی تشکیل شده است که هم دفاع اخلاقی و هم فیزیکی را برای تاکتیک‌ها، ایدئولوژی و عضویت سازمان فراهم می‌کند. هرچه مرکز ثقل گروه عمیق‌تر باشد، از مشروعیت بیشتری برخوردار است. بنابراین، برای موفقیت در مشروعیت‌زدایی، ابتدا باید سطوح پایین پشتیبانی را قبل از صعود به سطوحی که خود سازمان را حفظ می‌کند، فرسایش داد.

1. . center of gravity

شکل ۱۰. مرکز ثقل یک گروه تروریستی



منبع: دانشگاه ایالتی میسوری، تحصیلات تکمیلی دفاعی دفاع و مطالعات استراتژیک

ساخت ضد روایت‌ها. برای ترسیم مسیر مشروعیت‌زدایی و فرسایش مراکز ثقل گروه‌های تروریستی، مقامات ضد تروریسم باید از شبکه‌ای از روش‌ها برای بی‌اعتبار کردن مشارکت تروریست‌ها استفاده کنند. این روش‌ها باید متمرکز بر ضد روایت‌های دقیق ساخته شده باشد، پیام پیوسته‌ای که تبلیغات تروریستی را از بین می‌برد و با استفاده از استدلال‌های قانع‌کننده گزینه‌های مثبت را ترویج می‌دهد. گروه‌های تروریستی غالباً به دنبال بهره‌برداری از نارضایتی محلی هستند که در بسیاری از موارد مبنای مشروعی دارند، از جمله ظلم سیاسی، فقر و آزار و اذیت. برای مبارزه با استخدام آنها، ضد روایت‌های مؤثر باید شامل پیام‌های مثبتی باشد که همبستگی اجتماعی و راه‌های مسالمت‌آمیز را برای رسیدگی به شرایط مساعد برای گسترش تروریسم تقویت می‌کند.

چرا تروریست‌ها گروه خود را ترک می‌کنند. افراد زیادی تصمیم می‌گیرند که از گروه‌های تروریستی انصراف دهند و مطالعه انگیزه‌های آنها برای ترک گروه در ساخت روایت‌های مخالف بسیار مفید است. برخی پس از سرخوردگی از ایدئولوژی یا تاکتیک‌های گروه، ترجیح می‌دهند آنجا را ترک کنند. برخی دیگر به رهبری گروه اعتقادی ندارند. بعضی از آنها تحت تأثیر خانواده یا دوستانشان قرار می‌گیرند. دیگران پس از رویارویی در جنگ، در تعهد خود بازنگری می‌کنند. با این حال، برخی حتی گلایه‌های کوچک‌تری مانند شرایط بد زندگی و حقوق ناعادلانه را ذکر کرده‌اند.

حاشیه راندن تروریست‌های آنلاین

حاشیه راندن فعالیت‌های آنلاین تروریستی باید یکی از مؤلفه‌های مهم استراتژی ضد تروریسم

ایالات متحده باشد. خنثی‌سازی فعالیت‌های آنلاین گروه‌های تروریستی نه تنها شامل تبلیغات آنها است، بلکه شکست فیزیکی گروه‌ها را نیز میسر می‌سازد. گروه‌های تروریستی بدون روش ترجیحی خود برای جذب و تحریک، برای تکمیل صفوف خود تلاش می‌کنند. با این حال، شاید مهمترین مزیت اجرای سریع یک استراتژی جامع برای شکست دادن گروه‌های تروریستی آنلاین، تجربه ارزشمندی است که جامعه ضد تروریسم دوباره بدست خواهد آورد. بنابراین، شناسایی و مقابله با این شورش‌های آنلاین برای استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده امری ضروری شده است. جلوگیری از تسلط گروه‌های تروریستی دیجیتال، محدود کردن مجدد صفوف آنها و از بین بردن اساسی‌ترین ابزارهای ارتباطی خارجی آنها ضروری است.

نتیجه‌گیری

هجده سال پس از جنگ جهانی علیه تروریسم، ارزیابی پیروزی ایالات متحده و متحدان آن دشوار است. اگرچه ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده برتری تاکتیکی را در میدان جنگ نشان داده است، گروه‌های تروریستی به رغم تلفات مکرر، توانایی ثابت شده برای زنده ماندن را نشان داده‌اند. پیداست که شکست دادن این گروه‌ها نیاز به یک رویکرد پویا دارد. اگرچه نیروی نظامی هدفمند می‌تواند یک مؤلفه مؤثر در یک استراتژی جامع ضد تروریستی باشد، اما نباید محور آن باشد. دو دهه شواهد نشان می‌دهد که دستگیری یا کشته شدن هر تروریست در خاورمیانه بزرگ یک استراتژی واقع‌بینانه نیست. در عوض، تصمیم‌گیرندگان باید متمرکز بر درک و پرداختن به دلایل انتخاب تروریست توسط افراد باشند.

از نظر تجربی، اجرای قانون در شکست دادن گروه‌های تروریستی بسیار موثرتر از نیروی نظامی است. به همین ترتیب، استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده از یک اولویت‌بندی مجدد اساسی بهره‌مند می‌شود که از پیروزی‌های زودگذر نبرد دور می‌شود و به سمت جنگ ایدئولوژیک بزرگ‌تر می‌رود. دو دهه شواهد نشان می‌دهد که دستگیری یا کشتن هر تروریست در خاورمیانه بزرگ یک استراتژی واقع‌بینانه نیست. در عوض، تصمیم‌گیرندگان باید متمرکز بر درک و پرداختن به دلایل انتخاب تروریست توسط افراد باشند.

از طریق ساخت و ارتباط ضد روایت‌های جذاب، جامعه ضد تروریسم می‌تواند مسیری را به سمت مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی و سازمان‌های تشکیل‌دهنده تروریسم قرن بیست و یکم آغاز کند. افزون بر این، ایالات متحده در مبارزه با تروریسم از اجرای ابتکارات جدید طراحی شده برای مقابله با استفاده تروریست‌ها از اینترنت باید بهره‌مند شود. با به حاشیه بردن منبع اصلی تبلیغات که

رادیکال‌سازی و جذب نیرو را امکان‌پذیر می‌کند، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران می‌توانند قصدی را که تروریست‌ها به صورت آنلاین دارند، بی‌ارزش جلوه دهند و یک ابزار مهم برای عملیات تروریستی بین‌المللی را تخریب کنند.

طی دو دهه گذشته، ایالات متحده به‌طور چشمگیری در دستیابی به دستاوردهای نظامی علیه گروه‌های تروریستی تبحر پیدا کرده است، اما بارها و بارها نتوانسته است پیروزی‌های تاکتیکی را به موفقیت استراتژیک تبدیل کند. در نتیجه، سازمان‌های تروریستی خود را با تلاش‌های معمول ضد تروریسم سازگار کرده و اقدامات متقابل خود را انجام داده‌اند. ایالات متحده و متحدانش باید بتوانند سازوکارهای استحکام گروه‌های تروریستی را تضعیف کنند. گرچه یک استراتژی مؤثر و جامع ضد تروریستی به رویکردی کاملاً دولتی احتیاج دارد، اما امکان اجرای قانون، مشروعیت‌زدایی از افراط‌گرایی و به حاشیه راندن تروریست‌های آنلاین بدون شک باعث بهبود استراتژی کنونی آمریکا و ایجاد فرصت‌هایی برای از بین بردن شبکه‌های بین‌المللی، جلوگیری از تشکیل گروه‌های جدید بین سازمان‌های تروریستی در سراسر جهان خواهد شد.

تروریسم پدیده جدیدی نیست و مطالعه تاریخ آن می‌تواند مقامات را برای مبارزه با آینده آن آماده کند. قرن‌هاست که افراد و سازمان‌ها برای دنبال کردن اهداف سیاسی از خشونت استفاده کرده‌اند. با این همه، در ۱۴۰ سال گذشته، چهار موج تروریسم وجود داشته است که آخرین آنها را گروه‌های تروریستی با انگیزه مذهبی مانند القاعده و دولت اسلامی (داعش) تشکیل داده‌اند. اگرچه تاریخ هر موج سرانجام منقضی شده است، امواجی که امروز با آن روبرو هستیم نشان می‌دهد پایانی در کار نیست. با توسل به داده‌های تجربی، می‌توان در مورد تاریخ، وضعیت و آینده تروریسم نتیجه‌گیری‌های مختلفی انجام داد. از نظر تاریخی، تروریسم اوج و فرود داشته است، در نقاط داغ رخ داده، از نظر جغرافیایی در حرکت بوده و یک مشکل جهانی بوده است.

با این حال، فعالیت‌های تروریستی امروزه بیش از هر زمان دیگری مکرر و کشنده است. تروریسم در خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوبی بسیار متمرکز شده است، اما همزمان از نظر دامنه و شدت جهانی در حال رشد است. افزون بر این، روندها و سیرهای جهانی تروریسم نشان می‌دهد که در دهه آتی، فعالیت‌های تروریستی ادامه خواهد یافت که به طور فزاینده‌ای خطرناک، پویا و شکست آن سخت خواهد بود.

با ورود به دهه جدید، چندین روش برای پیشرفت عملیات تروریستی وجود دارد. با این حال، دهه جدید فرصتی مناسب برای سیاست‌گذاران فراهم می‌آورد تا استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده را

به روز کنند و دوباره بر از بین بردن توانمندی‌های گروه‌های تروریستی برای بازسازی و بقا متمرکز کنند. شبکه‌های تروریستی بین‌المللی به احتمال زیاد به رشد و مستحکم‌تر کردن خود ادامه خواهند داد، جنگجویان خارجی برای تشکیل سازمان‌های تروریستی در آینده جمع می‌شوند و تروریست‌های سایبری نیز زرادخانه سلاح‌های دیجیتال خود را گسترش می‌دهند. برای جلوگیری از مشارکت همیشگی در جنگ جهانی همیشگی علیه تروریسم، سیاست‌گذاران باید ابتکاراتی را که باعث از بین رفتن مقاومت گروه‌های تروریستی می‌شود، در اولویت قرار دهند. با این کار، ایالات متحده و متحدانش می‌توانند ترسیم یک مسیر جدید در مقابله با تروریسم قرن بیست و یکم را آغاز کنند، فرصت‌هایی را برای تعدیل چشم‌انداز تهدید جهانی و کاهش تروریسم در دهه‌آتی فراهم کنند.

